



تحلیل مواضع و فرایند بسیج منابع سازمان فداییان خلق (اکثریت) و حزب مشروطه ایران^۱

ملیحه سالم*

عباس کشاورز شکری**

زاهد غفاری هاشجین***

چکیده

حزب مشروطه ایران، یکی از گروه‌های سلطنت‌طلب خواهان به قدرت رساندن نهاد سلطنت در ایران، و سازمان فداییان خلق نیز جزو گروه‌های چپ انقلابی است که پس از پیروزی انقلاب در جنگ قدرت میان نیروهایی که در

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکترای رشته مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی با عنوان «مطالعه مقایسه‌ای فرایند بسیج منابع و مواضع جریان‌های سیاسی مارکسیستی و سلطنت‌طلب در برابر جمهوری اسلامی ایران» در دانشگاه شاهد است.

* دانشجوی دکترای مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب

اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران، (Malihe.salem@shahed.ac.ir)

** (نویسنده مسئول) دانشیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی، دانشکده

علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران، (keshavarz@shahed.ac.ir)

*** استاد علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی، دانشکده علوم انسانی،

دانشگاه شاهد، تهران، ایران، (ghafari@shahed.ac)

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۲/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۹

پیروزی انقلاب نقش داشتند، ناکام ماند و سران و اعضای آن مجبور به مهاجرت و پیگیری اهداف خود در خارج از کشور شدند. از آنجا که بررسی مواضع و روند بسیج منابع هر یک از این گروه‌ها می‌تواند به فهم بهتر جنبش‌های اجتماعی در ایران کمک کند و چنین پژوهشی نیز تا به حال به گونه‌ای نظام‌مند در ایران انجام نشده و در این حوزه خلأ علمی وجود دارد، نویسندگان این مقاله بر آن شدند تا به این پرسش‌ها پاسخ دهند که «مواضع و فرایند بسیج منابع حزب مشروطه ایران و سازمان فداییان خلق اکثریت پس از پیروزی انقلاب سال ۱۳۵۷ چه بوده است» و «چرا این گروه‌ها به رغم داشتن هدف مشترک، نتوانسته‌اند به ائتلاف دست یابند». پاسخ به این پرسش‌ها به این سبب اهمیت دارد که در هنگام انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، گروه‌های گوناگون با ایدئولوژی‌های متفاوت، موفق به ایجاد ائتلاف علیه نظام شاهی شده بودند. چارچوب نظری مقاله پیش‌رو، مبتنی بر نظریه بسیج سیاسی چارلز تیلی است که بر اساس آن، متغیرهای کنش جمعی، سازمان، منافع، بسیج منابع، فرصت/تهدید، و سرکوب/تسهیل، بررسی و فرایند بسیج منابع و مواضع این دو گروه، مقایسه و تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها مشخص شده است. یافته‌های این پژوهش - که بر پایه روش‌های تحلیل اسنادی و روش مقایسه‌ای به دست آمده است، حاکی از این است که این دو گروه، در ابعاد گوناگون مورد مطالعه در زمینه مواضع و روند بسیج منابع، کم‌وبیش دارای شباهت هستند و تنها اختلاف اصلی در مواضع ایدئولوژیک آن‌ها است. پاسخ این پژوهش به چرایی عدم ائتلاف‌سازی میان این گروه‌ها این است که این سازمان‌ها، به دلیل داشتن ایدئولوژی‌های متفاوت و فرارفتن از آن (حتی برای رسیدن به هدف مشترک) حاضر به همکاری و مدارا با یکدیگر نیستند و نمی‌توانند ائتلافی میان سازمان‌های اپوزیسیون ایجاد کنند؛ در حالی که گروه‌های اپوزیسیون در انقلاب سال ۱۳۵۷، به منظور رسیدن به منافع مشترک، حاضر به کنار گذاشتن تاکتیکی اختلاف‌هایشان شده بودند.

واژگان کلیدی: سازمان فداییان خلق شاخه اکثریت، حزب مشروطه ایران، جمهوری اسلامی

مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، گروه‌های سیاسی با ایدئولوژی و مرام‌نامه‌های متنوع، درصدد سهم‌خواهی از قدرت برآمدند. از جمله گروه‌های فعالی که در ابتدای انقلاب در برخی از شهرها، به‌ویژه شهرهای بزرگ و پرجمعیت، طرفدارانی داشتند، گروه‌های چپ‌گرای مارکسیست، از جمله سازمان فدائیان خلق، بود که شاخه اکثریت آن برخلاف مواضع شاخه اقلیت، در سال‌های نخست انقلاب، مواضع معتدل و همگام با نظام جمهوری اسلامی داشت، اما پس از دستگیری اعضای آن، برخی از رهبران و اعضای آن موفق به خروج از کشور شدند و از آن‌پس، فعالیت‌های سیاسی خود را بیشتر در کشورهای اروپایی ادامه دادند.

یکی دیگر از جریان‌های مخالف جمهوری اسلامی، جریان‌های سلطنت‌طلب بودند که همواره در تلاش بودند دوباره به قدرت بازگشته و نظام سیاسی سلطنتی را در کشور حاکم کنند. اعضای فعال این جریان نیز پس از کودتای نوژه، دستگیر شدند و فعالیت‌های سیاسی آنان نیز در خارج از کشور، به‌ویژه در کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا ادامه یافت.

درون این گروه‌ها انواع گرایش‌ها مشاهده می‌شود، ولی با وجود این گرایش‌ها، در یک موضوع که مخالفت و در مواردی براندازی جمهوری اسلامی است، هم‌نظر هستند. بیشتر اختلاف‌ها بر سر رهبری جریان اپوزیسیون و همچنین، نوع نظام سیاسی موردنظرشان است.

این مقاله با تمرکز بر دو گروه سازمان فدائیان خلق اکثریت و حزب مشروطه ایران، مواضع و نحوه بسیج منابع این دو گروه را برپایه نظریه بسیج منابع چارلز تیلی واکاوی کرده است.

۱. پیشینه پژوهش

تاکنون درباره گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی، پژوهش‌های گوناگونی انجام شده است که هر یک از آن‌ها از جنبه‌ای به این موضوع توجه داشته‌اند؛ به‌عنوان نمونه، قومی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله «انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا در تقابل با جریان‌های تقاطعی و سلطنت‌طلب»، ابزارهای انجمن اسلامی این دو کشور برای مقابله با سلطنت‌طلبان، طرفداران نهضت آزادی، و همچنین مجاهدین خلق که در بردارنده تظاهرات، راهپیمایی، تحصن، و اعتصاب است را به تصویر کشیده است.

همچنین، حسن‌زاده (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «دیدگاه‌ها و موضع‌گیری‌های سازمان چریک‌های فدایی خلق در قبال انقلاب اسلامی» تلاش کرده است روند تغییر مواضع فداییان در قبال انقلاب اسلامی را به نسبت دوردنشان از قدرت نشان دهد. کتاب «سازمان چریک‌های فدایی خلق»، نوشته صدر شیرازی (۱۳۹۵) نیز روند تحولات این سازمان را با رویکردی سازمانی بررسی کرده است. وحید شمس (۱۳۹۵) هم در کتاب «بررسی اطلاعاتی احزاب و گروه‌های سیاسی مخالف جمهوری اسلامی ایران»، سیر تکوین و پیدایش احزاب سیاسی، بررسی گفتمان اپوزیسیون، و دلایل گرایش افراد به گروه‌های ضدامنیتی در ایران را سنخ‌شناسی کرده است.

مازیار بهروز (۱۳۹۵) در کتاب «شورشیان آرمانخواه»، دلایل ناکامی گروه‌ها و احزاب چپ‌گرای ایرانی را بررسی کرده است. در بخشی از این کتاب، مسائل مرتبط با فداییان و انشعاب‌های رخ داده در این سازمان و دلایل رویارویی و مقابله آن با جمهوری اسلامی به‌گونه‌ای تفصیلی واکاوی شده است. مسائل زنان، انتخابات غیردموکراتیک، و تفاوت گرایش‌های جمهوری اسلامی با سازمان فداییان خلق، به‌عنوان برخی محورهای مورداختلافی معرفی شده‌اند که امکان ائتلاف این دو را از بین می‌برند. این کتاب، روایتی تاریخی داشته و تلاش کرده است، دگرگونی‌های رخ داده در این سازمان را با دیدگاهی تاریخ‌محور به خوانندگان ارائه دهد.

وهاب‌زاده (۲۰۱۶) در کتاب «فداییان خلق»، ریشه‌های تاریخی شکل‌گیری فداییان خلق و دگرگونی‌های بعدی آن پس از وقوع انقلاب اسلامی را بررسی کرده

است. به نظر او، جنبش چریکی در ایران باید در قالب رویدادهای دوره جنگ سرد و افزایش جنگ‌های آزادی‌بخش در ویتنام، الجزایر، و... و شکل‌گیری جنبش‌های چریکی در کشورهای آمریکای لاتین و آفریقا بررسی شود، نه به صورت یک جنبش خودجوش و داخلی.

دیلب هیرو (۲۰۱۳) در کتاب «فرهنگ‌نامه جامع خاورمیانه» به تاریخچه شکل‌گیری سازمان فداییان خلق و انشعاب آن به دو بخش اکثریت و اقلیت توجه داشته است. همچنین، سیر تطور و همسویی و دشمنی آن با جمهوری اسلامی در برهه‌هایی از زمان، موضوعی است که این کتاب در بخش مربوط به فداییان خلق بررسی کرده است.

دیلامی (۱۹۹۲) نیز در مقاله‌ای با عنوان «انقلاب بلشویکی و ریشه‌های کمونیسم در ایران»، روند شکل‌گیری جنبش‌ها و احزاب کمونیستی پس از ایجاد دولت کمونیستی در شوروی را بررسی کرده است. این نویسنده تلاش کرده است تا روایتی از رخدادهای منجر به شکل‌گیری احزابی مانند مجاهدین خلق و حزب توده را ارائه دهد. پیش‌فرض مقاله این است که شوروی از ترس گرایش ایران به اردوگاه غرب و همچنین، برای نفوذ در ساختارهای داخلی ایران، اقدام به تأسیس چنین جریان‌هایی کرده است.

فرانژن (۲۰۱۷) نیز در مقاله‌ای با عنوان «کمونیسم در جهان عرب و ایران»، سیر تطور جریان‌های کمونیستی در کشورهای جهان عرب را واکاوی و آن را با ایران مقایسه است. نویسنده بر این نظر بوده است که کمونیسم در این دو منطقه بنا بر ویژگی‌های فرهنگی، تفاوت‌هایی دارد. همچنین، بررسی‌های نویسنده بیانگر تفاوت کمونیسم جهان عربی و ایرانی با کمونیسم اروپایی است.

نادری (۱۳۹۰) در کتاب «چریک‌های فدایی خلق» با گردآوری منابع مرتبط با فداییان خلق و با استناد به منابع سازمان، تاریخچه‌ای از نحوه شکل‌گیری این سازمان، باورها و ایدئولوژی سازمان، و سیر تطور و دگرگونی‌های رخ داده در آن را در قالب یک روایت جامع تاریخی بررسی و تقابل این سازمان با جمهوری اسلامی و بحران‌های موجود در آن را به استناد منابع دست اول مطالعه کرده است.

جزنی (۱۳۵۵) در «پنج رساله» تلاش کرده است با نگاهی علمی و مبتنی بر

آموزه‌های کمونیسم، رویکردها و مسائل مرتبط با جنبش فداییان خلق را مطالعه کند. او در این نوشتار مواردی همچون خرده‌بورژوازی انقلابی، رابطه جنبش انقلابی مسلحانه با خلق، و... را بررسی و تلاش کرده است این موارد را در چارچوب نظریه کمونیسم توجیه کند.

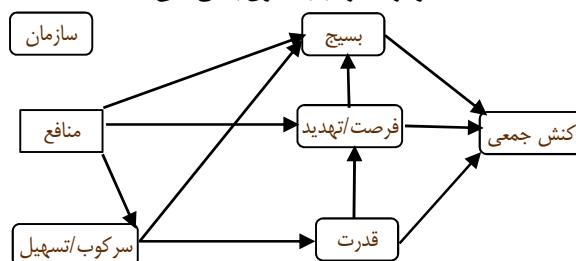
علوی (۱۳۷۹) نیز در کتاب «بررسی مشی چریکی در ایران»، توسل به مشی چریکی و مسلحانه در ایران را به‌عنوان یک الگوی مبارزه، محصول چیرگی استبداد، انسداد سیاسی، و به بن‌بست رسیدن مبارزه در چارچوب قانون اساسی دانسته است که در طول آن، نیروهای چپ مارکسیست برای رسیدن به آرمان‌ها و خواسته‌هایشان به مشی مسلحانه روی می‌آوردند. این کتاب تلاش می‌کند، نقش مبارزات مسلحانه گروه‌های چپ و مارکسیست را در فروپاشی نظام پهلوی، در قالب یک نوشته مستقل واکاوی کند.

بررسی پژوهش‌های انجام شده درباره فداییان خلق نشان داد که آن‌ها بیشتر به فعالیت‌های پیش از شکل‌گیری جمهوری اسلامی این گروه‌ها مربوط می‌شوند؛ درحالی‌که در مقاله حاضر با استفاده از آخرین اسناد موجود در سایت‌ها (از جمله سایت‌های خود این سازمان که دربردارنده ده‌ها سند بوده است)، مواضع و روند بسیج منابع این گروه تا سال ۱۳۹۹ بررسی شده است. درباره حزب مشروطه ایران نیز نوشته‌ای در قالب کتاب یا مقاله دیده نشد و از اسناد موجود در سایت‌های این حزب و سایت‌های مربوط به آن استفاده شد؛ بنابراین، داده‌های مربوط به این موضوع، کاملاً بدیع و تازه است. همچنین، تاکنون پژوهش تطبیقی‌ای درباره شباهت‌ها و تفاوت‌های این گروه‌ها انجام نشده و وجه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های دیگر انجام شده در این زمینه، بررسی مواضع و فرایند بسیج گروه‌ها به‌گونه‌ای نظام‌مند و نظریه‌محور و با رویکردی مقایسه‌ای است.

۲. چارچوب نظری پژوهش

الگوی نظری به‌کاررفته در این پژوهش، الگوی «بسیج سیاسی» چارلز تیلی است؛ به‌این ترتیب که از الگوی بسیج سیاسی تیلی برای توضیح ویژگی‌های حزب مشروطه ایران و سازمان فداییان خلق اکثریت استفاده شده است.

نمودار شماره (۱). الگوی بسیج تیلی



منبع: (تیلی، ۱۳۸۵: ۸۳)

چارلز تیلی برای توصیف رفتار جمعی از دو الگوی «جامعه سیاسی^۱» و الگوی «بسیج^۲» استفاده کرده است. در الگوی جامعه سیاسی، به گروه‌های چالشگر و عضو اشاره شده و ائتلاف یا عدم ائتلاف آن‌ها بررسی می‌شود. الگوی بسیج، به منظور تبیین رفتار هر یک از گروه‌های مدعی به گونه‌ای جداگانه طراحی شده است. متغیرهای این الگو که درباره هر گروه مدعی به‌طور جداگانه تجزیه و تحلیل می‌شوند عبارتند از:

- منافع:** امتیازها و دستاوردهای مشترکی که در نتیجه کنش متقابل یک جمعیت با جمعیت دیگر، عاید اعضای آن جمعیت می‌شود؛
- سازمان:** هرچه اعضای گروه، هویت یکپارچه‌تری داشته باشند و ساختارهایی که آنان را متحد می‌کند، مستحکم‌تر باشد، آن گروه، سازمان‌یافته‌تر به‌شمار می‌آید؛
- بسیج منابع:** کوشش برای دستیابی به هر نوع منبعی که گروه مدعی برای پیشبرد عمل جمعی خود ضروری بداند؛
- عمل جمعی (یا کنش گروهی):** عمل مشترک یک گروه مدعی در راستای دستیابی به اهداف مشترک، عمل جمعی خوانده می‌شود؛
- فرصت/ تهدید:** فرصت، رابطه بین جمعیت و محیط را تعریف می‌کند. ویژگی‌های الگوی بسیج سیاسی تیلی به‌شرح زیر است:
- بسیج و گستره آن:** بسیج، دربردارنده انواع تدارکاتی، تدافعی، و تهاجمی است. هر گروه تلاش می‌کند، منابع گوناگونی را بسیج کند که دربردارنده منابع تخصصی،

1. Polity Model
2. Mobilization Model

تسلحاتی، کالایی، هنجاری، و انسانی است. فرایند بسیج، به فرایندی گفته می‌شود که موجب کاهش ادعای گروه‌های رقیب درباره منابع در اختیار اعضا است و همچنین، در این فرایند، برنامه‌هایی برای کسب منافع اعضا ارائه می‌شود. ایجاد ساختارهایی در گروه که خروج و اعتراض در آن به حداقل برسد، جزء فرایند بسیج است؛

سازمان و سلسله‌مراتب: عناصر سازمان عبارتند از: آگاهی و تعهد، هویت مشترک، و شبکه روابط. هنگامی که اعضای یک سازمان، هویت مشترکی پیدا کنند، درباره منافع خود، آگاهی و به آن‌ها تعهد داشته باشند و شبکه‌ای از روابط را تشکیل دهند، سازمان به وجود می‌آید. کیفیت سازمان، دربردارنده مؤلفه‌های رهبری و ایدئولوژی، فراگیری به معنای عضوگیری از طبقات گوناگون، توانایی بسیج، گستره جغرافیایی سازمان (تعداد شعبه‌های آن در شهرستان‌ها)، میزان تسلط بر زندگی اعضا، کارآمدی سازمان، تمرکز و عدم تمرکز سطح منابع بسیج شده سازمان است؛

منافع: دربردارنده خواسته‌های اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی؛ اهداف؛ و امتیازها و ضدامتیازها است؛

قدرت: به معنای توانایی وادار کردن دیگران به انجام دادن یا ندادن کاری که مایل به انجام دادن یا ندادن آن نیستند. هرچه میزان قدرت گروه بالاتر باشد، مقبولیت و توان کنش جمعی آن بیشتر است و کمتر سرکوب می‌شود؛

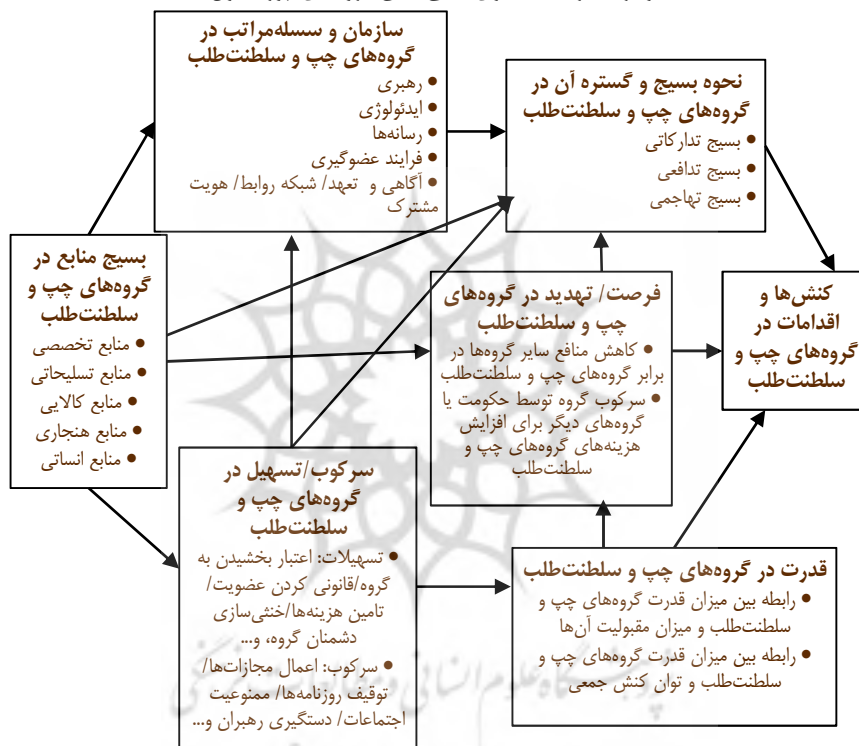
فرصت/ تهدید: فرصت، به معنای کاهش منافع گروه‌های دیگر در برابر گروه مدعی و تهدید، به معنای آسیب‌پذیری گروه مدعی در برابر ادعاهای جدید گروه‌های دیگر است (تیلی، ۱۳۸۵: ۸۴-۸۳)؛

سرکوب/ تسهیل: سرکوب/ تسهیل به دو دسته مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شود. سرکوب گروه، به معنای این است که حکومت یا گروه‌های مدعی دیگر برای افزایش هزینه‌های آن گروه اقدام کنند. تسهیل نیز به معنای کنشی است که هزینه‌های کنش جمعی یک گروه را کاهش می‌دهد. حکومت، مهم‌ترین عامل سرکوب‌کننده گروه‌های چالشگر است. از ویژگی‌های تسهیل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اعتبار بخشیدن به یک گروه، قانونی کردن عضویت گروه، تأمین هزینه‌های گروه، کاهش هزینه‌های کنش جمعی گروه، خنثی‌سازی دشمنان گروه، و

فرستادن نیروهایی برای کمک به گروه است. سرکوب نیز دربردارنده ویژگی‌هایی مانند اعمال مجازات، توقیف روزنامه‌ها، ممنوعیت اجتماعات، و دستگیری رهبران است (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۵۰-۱۴۹).

با توجه به موارد یادشده، الگوی بسیج منابع پیشنهادی گروه‌های اپوزیسیون برپایه الگوی بسیج سیاسی چارلز تیلی به شرح زیر قابل ارائه است.

نمودار شماره (۲). الگوی بسیج منابع گروه‌های اپوزیسیون



منبع: نگارندگان با اقتباس از الگوی بسیج چارلز تیلی

۳. مواضع و فرایند بسیج منابع در سازمان فداییان خلق اکثریت

۳-۱. تاریخچه کوتاهی درباره سازمان فداییان خلق (اکثریت)

ریشه و تبار اولیه «سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)» به «سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران» مربوط می‌شود. جریان انقلابی «چریک‌های فدایی خلق ایران»، حرکتی بود از سوی جوانان مارکسیست که در سال ۱۳۵۰ برای برپایی «حکومت

حلقی» با چشم‌انداز رسیدن به سوسیالیسم در ایران، رویکرد پیکار مسلحانه را برای براندازی رژیم شاه برگزیدند (پیام دانشجو، ۱۳۵۶: ۳۳-۳۰). گروه چریک‌های فدایی تا پیش از انقلاب، تعداد زیادی از نیروهای مهم خود را از دست داده بود؛ بنابراین، پس از پیروزی انقلاب، اکثریت اعضای سازمان، از جمله عناصر کمیته مرکزی، نیروهای اصلی، اعضا، و هواداران آن، در پلنوم مهر ۱۳۵۸ با نفی شیوه مبارزاتی گذشته گروه و با درپیش گرفتن روش مبارزه سیاسی و مسالمت‌آمیز، راه خود را از اقلیت جدا کردند. این گروه در ادامه زیست خود، با نام «سازمان فداییان خلق (اکثریت)» اعلام موجودیت کرد.

فرخ نگهدار، از عناصر شاخص و ایدئولوگ گروه، به‌عنوان دبیر اول سازمان انتخاب شد و به‌این‌ترتیب، فاز جدیدی از فعالیت‌های مبارزاتی را شروع کردند (کار آنلاین، ۱۳۹۲/۲/۱۱). در واقع، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سازمان چریک‌ها برنامه خود را در ۲۴ بهمن ۱۳۵۷ منتشر کرد و در این برنامه، خواستار نابودی تمام ارکان سلطه اقتصادی، سیاسی، نظامی، و فرهنگی امپریالیسم و پایگاه‌های داخلی آن شد (یغما، ۱۳۸۲: کتاب الکترونیک).

اما نگاه سازمان چریک‌های فدایی خلق با نگاه حاکم بر مردم انقلابی و نهضت برآمده از اراده آنان متفاوت بود. سازمان از فروپاشی حکومتی که آن را سگ زنجیری امپریالیسم می‌خواند، خرسند، اما از آنچه «عدم درک توده‌ها» از مصالحشان می‌خواند، خشمگین بود. این‌گونه بود که فداییان، تنها چند روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تاختن به آن را آغاز کرده و نظام جدید را بورژوازی خواندند (یغما، ۱۳۸۲: کتاب الکترونیک). سازمان، در پی حاکم کردن دیکتاتوری پرولتاریا بود و هرگز نمی‌توانست حکومت جمهوری اسلامی با محوریت ولی فقیه و حاکمیت احکام دین مبین اسلام را بپذیرد (باقرزاده، ۱۳۷۲: ۸۲).

پس از ضربه سراسری به حزب توده در اوایل سال ۱۳۶۲، سازمان اکثریت نیز به‌طور مستقیم از آن تأثیر پذیرفت و از آنجاکه سران گروه احتمال قطعی می‌دادند که ضربه بعدی متوجه آن‌ها باشد، اعضای مرکزیت سازمان و نیروهای درجه اول، اقدام به خروج از کشور کردند؛ فرایندی که از آن‌پس در سازمان آغاز شد، فرایند سازمان‌دهی کار مخفی مبتنی بر تمرکز رهبری در خارج از کشور بود (شمس، ۱۳۹۰: ۲۰۵-۲۰۶).

۲-۳. مواضع سازمان فداییان خلق (اکثریت)

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، سازمانی با تاریخ چنددهه‌ای است که در طول این تاریخ، مواضع و گرایش‌هایش بارها دچار تغییر و دگردیسی شده است. مواضع سیاسی سازمان پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۶۵ را در حالت کلی می‌توان به سه مرحله اصلی تقسیم کرد.

مرحله نخست، سال ۱۳۵۸ را دربر می‌گیرد که سازمان با عدم پذیرش جمهوری اسلامی، درعمل، سیاست مسلحانه خود را ادامه می‌داد. مرحله دوم، که از سال ۱۳۵۹ آغاز شد، با ناکامی غائله کردستان همراه بود که این عامل و برخی عوامل دیگر، شکاف‌ها را فزونی بخشید؛ در این مقطع، که تا اواخر سال ۱۳۶۱ و اوایل سال ۱۳۶۲ طول کشید، سازمان در سیاست پیشین خود بازنگری کرد، از فعالیت‌های مسلحانه و چریکی دست کشید، و به دو شاخه تقسیم شد و در اینجاست که رسماً انشعاب اقلیت و اکثریت، درون سازمان رخ داد (لطفی، ۱۳۶۷: ۲۲-۲۰).

به‌هرروی، اکثریت، یک‌باره از «انقلاب ضدامپریالیستی خلق ستم‌دیده به رهبری امام خمینی» حمایت کرد و به‌ظاهر این‌گونه اعلام کرد که «اکنون پس از انقلاب به این نتیجه رسیدیم که با رژیم جمهوری اسلامی ایران، اگر سخنی هست، اگر اختلافی هست، نباید از طریق قهر و خشونت به نتیجه برسیم» (نامه اکثریت به مجاهدین خلق ایران، ۱۳۵۹: ۲۹). آغاز مرحله سوم مواضع سازمان فداییان خلق (اکثریت) را می‌توان ناشی از گسست فکری و ایدئولوژیکی عمیق سازمان با جمهوری اسلامی دانست که هرچند به‌ظاهر در مقطعی، به جمهوری اسلامی گرایش یافتند، ولی این تضاد در حدی بود که دیری نپایید. درواقع، تغییر مواضع سیاسی سازمان فداییان خلق (اکثریت)، در مرحله سوم رخ داد و مسئله مقابله و مخالفت سیاسی با نظام اسلامی آشکارا مطرح شد و درواقع، به همان مرحله نخست، که سیاست پایان دادن به جمهوری اسلامی را دنبال می‌کرد، بازگشت؛ درنتیجه، دوباره مسئله اتحاد با نیروها و جریان‌هایی مطرح شد که در مرحله دوم آن‌ها را نفی می‌کرد. این مرحله از اوایل سال ۱۳۶۲، پس از ضربه به حزب توده آغاز شد؛ بنابراین، سازمان اکثریت پس از سه دهه، نرم شدن مقطعی خود در آن زمان در برابر جمهوری اسلامی را ناشی از خطای خود می‌داند (کارآنلاین، ۱۳۹۲/۲/۱۱).

۴. فرایند بسیج سازمان فداییان خلق

۴-۱. سازمان

۴-۱-۱. ساختار جدید تشکیلاتی سازمان

ارکان سازمان فداییان خلق (اکثریت) عبارتند از کنگره، شورای مرکزی، هیئت سیاسی اجرایی، و کمیسیون‌ها. رهبر فعلی (سال ۱۳۹۹) سازمان، بهروز خلیق است. سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) سازمانی سیاسی است که مدعی است برای تأمین دموکراسی، توسعه، و ایجاد عدالت اجتماعی در ایران مبارزه می‌کند. این سازمان، با نشان «گل پنج‌پر با گلبرگ سرخ، میانه زرد، و ساقه و برگ سبز» خود را تشکل داوطلبانه افرادی معرفی می‌کند که چارچوب کلی آرمان‌های سازمان را پذیرفته و آمادگی دارند با پایبندی به اساسنامه، برای تحقق اهداف سازمان فعالیت کنند (کارآنلاین، ۱۳۸۵/۱/۵).

۴-۱-۲. ایدئولوژی سازمان فداییان خلق

سازمان فداییان خلق (اکثریت)، در موضع‌گیری‌های پس از خروج از کشور، آرمان اعتقادی و سیاسی خود را سوسیالیسم تعریف کرده است؛ با این حال، برای ارزش‌های لیبرالی، احترام قائل شده و معتقد است، نظام سرمایه‌داری از دستاوردهای بزرگ بشری است، اما گذار از نظام سرمایه‌داری، یعنی جایگزینی ارزش‌های سوسیالیستی به جای «ارزش اضافی»، در زمره اهداف کلان سازمان قرار دارد (کار آنلاین، بی‌تا).

سازمان، پس از خروج از ایران در نخستین کنگره‌ای که در سال ۱۳۶۹ برگزار کرد، در مورد اصول فکری و مشی رفتاری خود در آینده به بحث نشست؛ در این برهه زمانی، دموکراسی خواهی در کنار سوسیالیسم، به عنوان هدف اصلی سازمان مطرح شد (پایگاه اطلاع‌رسانی اکثریت، ۱۳۷۵).

به این ترتیب، مواضع ایدئولوژیکی اخیر سازمان، نوعی سرگشتگی ایدئولوژیک را در میان رهبران آن نشان می‌دهد؛ اگرچه اعتقاد به سوسیالیسم برای رسیدن به عدالت نیز امروزه با توجه به تجربه کشورهای سوسیالیستی پیشین (مانند کشورهای اروپای شرقی در دوره جنگ سرد) و حاضر (مانند کره شمالی و کوبا) قابل دفاع

نیست. اقتصادهای سوسیالیستی در بسیاری از کشورهای جهان، ناکارآمدی خود را نشان داده‌اند؛ برای مثال، کشور چین، بزرگ‌ترین اقتصاد سوسیالیستی را داشت که اکنون جای خود را به اقتصاد سرمایه‌داری داده است. شاید به همین دلیل است که سازمان از مواضع ایدئولوژیک پیشین خود عقب‌نشینی کرده و تا مرز اعتقاد به لیبرالیسم پیش رفته است.

۳-۱-۴. کنش‌های سازمان فداییان خلق (اکثریت)

این سازمان، پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا ابتدای دهه ۱۳۶۰ به ایجاد تشکیلات نظامی مخفی و نفوذی، ارتباط گرفتن با خارج از کشور، و عبور غیرمجاز از مرز، همت گماشت (لطفی، ۱۳۶۸: ۲۹-۳۸). سازمان، نخستین کنگره خود را در پایان دهه ۱۳۶۰ برگزار کرد. این کار، سرآغازی بود بر سال‌هایی که سازمان فداییان، کنگره‌هایی را یکی پس از دیگری برگزار می‌کند و مواضع رسمی آن را می‌توان در بطن این کنگره‌ها یافت (بایگانی کارآنلاین، شماره ۷، مارس ۲۰۰۹). دعوت مردم به نافرمانی مدنی، آشوب علیه نظام در جریان انتخابات ۱۳۸۸، تحریم انتخابات دوره یازدهم در سال ۱۳۹۲، فراخوان برای راه‌اندازی و شرکت در تظاهرات و تجمع‌ها در دی ۱۳۹۶ (کارآنلاین، ۱۳۹۶/۱۰/۱۷)، صدور بیانیه و فراخوان علیه جمهوری اسلامی در طول آشوب‌ها و اعتراض‌های آبان ۱۳۹۸ (کارآنلاین، ۱۳۹۸/۱۰/۱۰) و به‌راه انداختن کارزارهای فراوان، همگی بیانگر این است که سازمان از هر فرصتی برای تبلیغ علیه جمهوری اسلامی استفاده می‌کند. صدور بیانیه در حمایت از کشف حجاب (کارآنلاین، ۱۳۹۶/۱۱/۱۶) و بیانیه در حمایت از برگزاری رفراندوم برای تغییر قانون اساسی نیز از کنش‌های دیگر سازمان به‌شمار می‌آیند.

۴-۱-۴. بسیج منابع سازمان فداییان خلق (اکثریت)

از آنجاکه بسیج به گردآوری منابعی مانند نیروی انسانی، اسلحه، و منابع مالی گفته می‌شود، باید به روش گردآوری نیروی انسانی (هنجاری)، منابع مالی، فعالیت‌های رسانه‌ای (فایده‌مندانه)، و امکانات دفاعی سازمان مانند اسلحه، و... (اجباری) اشاره و نوع بسیج سازمان یادشده را ارزیابی کنیم.

در مورد «بسیج نیروی انسانی»، سازمان فداییان خلق شرایطی مانند ایرانی بودن،

داشتن دست‌کم ۱۸ سال سن، پذیرش چارچوب کلی «دیدگاه‌ها و آماج‌ها» و «برنامه» و تعهد به رعایت اساسنامه سازمان و سرانجام، عدم عضویت در احزاب ایرانی دیگر را شرط‌های اولیه پذیرش سازمان معرفی می‌کند. همچنین، سازمان، پذیرش را به‌گونه‌ای انفرادی و با تأیید گروه کار تشکیلات انجام می‌دهد؛ به‌این ترتیب که تقاضای عضویت به‌صورت کتبی و با پر کردن فرم ویژه انجام می‌شود. اما به‌رحال، متقاضی عضویت باید از سوی دو عضو که دارای پیشینه دست‌کم سه سال عضویت در سازمان هستند، معرفی شود. یاری به سازمان برای پیشبرد وظایف جاری و تلاش برای تحقق اهداف برنامه‌های سازمان، پرداخت حق عضویت، پایبندی به اساسنامه سازمان، و احترام به مصوبات نهادها به‌عنوان وظایف اعضا معرفی شده‌اند.

در مورد «بسیج منابع مالی و امکانات رسانه‌ای»، شبکه صوتی و تصویری سازمان، یعنی «رسانه»، به اکثریت وابسته است که از سایت «کارآنلاین» قابل دسترسی است. سایت اینترنتی این گروه با عنوان «ایران خبر» که بازتاب‌دهنده رویدادهای مربوط به کشور است، با مسئولیت ف. تابان اداره می‌شود. از سایت‌های دیگر مربوط به سازمان، سایت «فدایی» است. در مورد «منابع مالی» گروه نیز حق عضویتی که از اعضا دریافت می‌شود و فعالیت محدود اقتصادی گروه، عمده‌ترین راه‌های تأمین منابع مالی گروه به‌شمار می‌آیند (شمس، ۱۳۹۵: ۲۱۴).

در مورد «امکانات دفاعی و تسلیحاتی سازمان» به‌عنوان بسیج تدارکاتی باید به این نکته اشاره کنیم که مسئله مسلح بودن سازمان فداییان خلق، در فعالیت‌های گذشته آن ریشه دارد. در واقع، سازمان، پیش از انقلاب به‌صورت یک سازمان سیاسی نظامی علیه رژیم شاه اقدام به مبارزه مسلحانه کرده بود و اعضای آن از سلاح، برای انجام فعالیت‌های خود استفاده می‌کردند. پس از سرنگونی رژیم شاه و شکل‌گیری جمهوری اسلامی، با اینکه مسئله تحویل سلاح از سوی حکومت جمهوری اسلامی مطرح شده بود و از گروه‌ها و افراد خواسته شده بود که سلاح‌ها را تحویل دهند، سازمان فداییان خلق در اوایل انقلاب از تحویل سلاح‌ها خودداری کرد و با این اقدام خود نشان داد که حاضر به پذیرش چارچوب جمهوری اسلامی ایران نیست و مانند گروه‌های برانداز دیگر، در راستای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران حرکت می‌کند.

در مرحله دوم فعالیت و مواضع سازمان، که با عنوان اکثریت فعالیت سیاسی

انجام می‌دهد، به‌ظاهر اقدام به خلع سلاح خود و تحویل سلاح به نهادهای جمهوری اسلامی ایران می‌کند، اما به‌رغم این سیاست اعلامی و دستور تشکیلاتی، مسئله نگهداری مقادیری سلاح در سطح رهبری سازمان مطرح شد و حتی در مرحله دوم، یعنی اتخاذ سیاست‌هایی در راستای تأیید و پیروی از قانون اساسی و چارچوب جمهوری اسلامی ایران، نشانی مقادیری از سلاح‌های پنهان‌شده در منطقه کردستان به سران حزب کمونیست عراق داده شد. پس از خروج اعضای سازمان فداییان خلق اکثریت از ایران و برگزاری پلنوم‌های فراوان و تشدید اختلاف‌نظرهای بین اعضا، که اوج آن در جریان برگزاری پلنوم‌ها و کنگره‌ها مشاهده می‌شود، سرانجام، سازمان به دست کشیدن دوباره از مشی مبارزه مسلحانه و تمسک به شعارهای دموکراتیک روی می‌آورد و از شوروی خارج و به غرب پناهنده می‌شود (نگاهی به تاریخچه سازمان فداییان خلق، ۱۳۷۵).

۲-۴. منافع

منافع، برپایه تعریف، دربردارنده خواسته‌های اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی؛ اهداف؛ و امتیازها و ضدامتیازها هستند. خواسته اصلی این سازمان، جایگزین کردن نظام جمهوری اسلامی است. از این دیدگاه، این سازمان یک گروه مخالف جمهوری اسلامی است که کلیت ساختار جمهوری اسلامی را قبول ندارد و در راستای جایگزین کردن آن با یک جمهوری سکولار تلاش می‌کند. با این مقدمه می‌توان گفت، منفعت اصلی آن با «جایگزین کردن نظام جمهوری اسلامی با یک نظام سکولار» برآورده می‌شود.

سازمان، پس از خروج از ایران در نخستین کنگره‌ای که در سال ۱۳۶۹ برگزار کرد، دموکراسی خواهی در کنار سوسیالیسم را به‌عنوان هدف اصلی خود مطرح کرد و لازمه آن را «پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی ایران» دانست. اصطلاح «پایان دادن» به‌جای «سرنگونی»، در راستای غیرخشونت‌آمیز نشان دادن مواضع سازمان به‌کار رفته است و بیان می‌کند که: «شعار سرنگونی به‌دلیل مطلق کردن عنصر قهر نمی‌تواند سیمای مسالمت‌جوی سازمان را منعکس کند» (پایگاه اطلاع‌رسانی اکثریت، ۱۳۷۵).

در برنامه این حزب، جمهوری اسلامی، مانع اصلی رسیدن ایران به جامعه مدرن

به‌شمار آمده و تلاش حزب را در راستای رفع این مانع اصلی ذکر کرده است. در این مورد در برنامه حزب آمده است: «جمهوری اسلامی، مانع اصلی گذر به جامعه مدرن و تحول به یک کشور پیشرفته و دموکراتیک، برقراری آزادی، عدالت اجتماعی و حقوق بشر در کشور ما است. استراتژی ما برای رفع مانع اصلی و گذر به کشور پیشرفته و دموکراتیک و تحول در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی، استراتژی تحول‌طلبی است. استراتژی تحول‌طلبی، مبتنی است بر اشاعه گفتمان آزادی، عدالت‌خواهی، دموکراسی، حقوق بشر، و تقویت جامعه مدنی و سیاسی و جایگزینی دولت مدرن، دموکراتیک، و سکولار در شکل جمهوری در ایران به‌جای جمهوری اسلامی. سیاست‌های ما با این استراتژی تبیین می‌شود و در خدمت آن قرار می‌گیرد (برنامه سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، ۱۳۹۲/۰۲/۱۱).

۳-۴. فرصت-تهدید

۱-۳-۴. فرصت‌ها

تلاش سازمان فداییان خلق (اکثریت) در راستای اتحاد با گروه‌های چپ دیگر، به‌خودی‌خود برای آن نوعی فرصت ایجاد کرده است؛ به‌گونه‌ای که شورای مرکزی سازمان در پیامی به گروه‌های چپ دیگر با قلمداد کردن نیروی چپ در ایران به‌عنوان جریان تاریخی و ریشه‌دار بیان می‌کند که چپ، همواره مهر خود را بر جنبش‌های اعتراضی مردم زده و در سمت‌وسو دادن به آن مؤثر بوده است. همچنین، معتقد است، چپ بایستی در خیزش فراگیر مردم، همچون گذشته حضور یابد و نقش خود را در تداوم، گسترش، و سمت‌دهی به آن ایفا کند. براین‌اساس، سازمان فداییان خلق (اکثریت) با دعوت کردن گروه‌های چپ دیگر به اتحاد، هدف را از این اتحاد از بین بردن نظام جمهوری اسلامی ایران و جایگزینی نظامی سوسیالیستی می‌داند (کارآنلاین، ۱۳۹۸/۹/۲). حزب یادشده بر ضرورت و اهمیت مبرم نزدیکی و هماهنگی نیروهای چپ و تلاش در راستای تشکیل بلوک چپ و مبارزه متحدانه برای آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی، و سوسیالیسم تأکید دارد و تقویت نزدیکی‌ها، همسویی‌ها، و همگرایی‌ها در بین نیروهای چپ، اعم از متشکل و منفرد را گامی در راستای پیشبرد اهداف تاریخی چپ ایران و تبدیل آن به نیرویی تأثیرگذار در تحولات سیاسی می‌داند

(کارآنلاین، ۱۳۹۷/۱۰/۱۰).

در تحلیل این جهت‌گیری‌ها و گرایش‌های سازمان اکثریت به‌طور کلی می‌توان گفت، سازمان اکثریت به‌لحاظ وجود گرایش‌های متنوع سیاسی، دست ائتلاف و تعامل به‌سوی گروه‌های سیاسی همسو و غیرهمسو دراز کرده است؛ به‌گونه‌ای که از یک‌سو، خواستار اتحاد با سازمان‌های سیاسی چپ که به‌لحاظ تاریخی، هم‌ریشه هستند، شده است و از سوی دیگر، خواهان ائتلاف با نیروهای جمهوری خواه و حتی سلطنت طلب است. یکی دیگر از عواملی که برای سازمان اکثریت، فرصت ایجاد کرده است، ارتباط با دولت‌ها و احزاب خارجی است. سازمان اکثریت به مناسبت‌های مختلف و به روش‌های گوناگون با دولت‌ها و احزاب کشورهای خارجی، از جمله حزب سبزه‌های آلمان، حزب چپ سوئد، احزاب چپ ایتالیا، و... تماس گرفته و در زمینه محکوم کردن جمهوری اسلامی در حوزه حقوق بشر، آزادی‌های سیاسی، دموکراسی، و... از آن‌ها کمک و همکاری خواسته است (سایت اکثریت، ۱۳۸۵/۱۲/۱۲). افزون‌براین، سازمان اکثریت با هدف محکوم کردن نظام در زمینه حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، روابطی در سطح نامه‌نگاری با شخص دبیرکل سازمان ملل، شورای حقوق بشر، اتحادیه اروپا، و... برقرار کرده است (کارآنلاین، ۱۳۹۲/۲/۱۵).

۲-۳-۴. تهدیدها

بروز انشعاب‌های فراوان در بطن سازمان، از جمله انشعاب چپ اکثریت، انشعاب اقلیت و اکثریت در اواخر بهار ۱۳۵۹، انشعاب گروه کشتگره‌لیل‌رودی - که حتی خود این سازمان آن را برگی سیاه می‌داند - تهدیدهای عمده‌ای برای سازمان به‌شمار می‌آیند. همچنین، سازمان فداییان خلق، مدتی پس‌ازاینکه ایران را به مقصد شوروی ترک کرد، سرخورده از پوچ یافتن تصورات ایدئالیستی خود از شوروی، اختلاف‌ها را در زمینه‌های فراوانی آغاز کردند. یکی از موارد دیگری که تهدید عمده‌ای برای سازمان به‌شمار می‌آید، روابط درون‌سازمانی آشفته‌ای بود که به اقرار خود اعضای اکثریت، سرشار از بی‌اخلاقی بود (سایت اخبار روز، ۲۰۰۳).

۴-۴. سرکوب-تسهیل

نخستین برخورد جمهوری اسلامی ایران با سازمان در سال ۱۳۶۲ بود. نظام اسلامی

با وارد کردن ضربه‌های فراوانی به تشکیلات این گروه، که در غائله کردستان و گنبد نقش داشت و همچنین، با حزب توده هم‌دست بود، آن را تضعیف و بخشی از اعضای آن را دستگیر کرد. با توجه به ماهیت امنیتی سازمان فداییان خلق (اکثریت)، هیچ‌گونه تسهیلاتی از سوی جمهوری اسلامی برای آن‌ها در نظر گرفته نشده و هیچ امکان خاصی برای فعالیت این گروه در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی نیز برای آن‌ها وجود نداشت (کارآنلاین، ۱۳۹۴/۷/۱).

جدول شماره (۱). مواضع و فرایند بسیج منابع در سازمان فداییان خلق

| | |
|-----------------|--|
| مواضع | دگرذیسی در مواضع سازمان طی سه دوره زمانی مختلف از انتقاد و اقدام مسلحانه و نظامی تا اعلام حمایت و سپس مخالفت غیرخشونت‌آمیز |
| ساختار تشکیلاتی | کنگره، شورای مرکزی، هیئت سیاسی اجرایی، و کمیسیون‌ها و سلسله‌مراتب سازماندهی‌شده |
| ایدئولوژی | گذار از نظام سرمایه‌داری و جایگزینی آن با ارزش‌های سوسیالیستی |
| کنش‌ها | - ایجاد تشکیلات مخفی نظامی در ابتدای فعالیت؛ - در مرحله دوم: کنش‌های حمایتی از نظام اسلامی؛ - دعوت مردم به نافرمانی مدنی و آشوب علیه نظام؛ - تحریم انتخابات؛ - فراخوان برای راه‌اندازی و شرکت در تظاهرات و تجمع‌ها علیه نظام. |
| بسیج منابع | - جذب جوانان دانشگاهی و مدرسه‌ای؛ - تعیین شرایطی از قبیل ایرانی بودن، داشتن دست‌کم ۱۸ سال سن، و... برای عضویت در سازمان و گرفتن حق عضویت؛ - جمع کردن سلاح و تحویل ندادن آن در مقطعی؛ - فعالیت در فضای مجازی و پخش برنامه‌های تلویزیونی. |
| منافع | جایگزین کردن نظام جمهوری اسلامی و جانشینی آن با یک نظام سوسیالیستی یا سکولاریستی |
| فرصت‌ها | - تلاش برای ائتلاف با گروه‌های اپوزیسیون دیگر؛ - ارتباط با سازمان‌ها و نهادهای گوناگون ملی و بین‌المللی؛ - زندگی در خارج از کشور و عدم امکان پیگیری قضایی فعالیت‌های آن‌ها. |
| تهدیدها | - بروز انشعاب‌های فراوان در بطن سازمان؛ - روابط درون‌سازمانی آشفته به اذعان اعضا. |
| سرکوب-تسهیل | - دستگیری و وارد کردن ضربه‌های فراوان به تشکیلات این گروه؛ - عدم ارائه هیچ‌گونه تسهیلات قانونی برای فعالیت به سازمان. |

۵. مواضع و فرایند بسیج منابع در حزب مشروطه ایران

۵-۱. تاریخچه کوتاه حزب مشروطه ایران

حزب مشروطه ایران، با نام نخستین «سازمان مشروطه‌خواهان»، با حمایت رضا پهلوی از میانه سال ۱۳۷۰ به صورت غیرعلنی و با فعالیت‌های پراکنده در میان سلطنت‌طلبان

مطرح شد. مسئولیت راه‌اندازی این حزب، ابتدا به‌عهده/حمد قریشی بود که سرانجام، اختلاف‌های او با رضا پهلوی، سبب کناره‌گیری و قرار گرفتن این مسئولیت به‌عهده مهرداد خوانساری شد که تا آن زمان، نماینده رضا پهلوی در لندن بود.

پیگیری‌های خوانساری در گردهمایی عوامل رژیم پهلوی در کشورهای اروپایی و آمریکایی باعث شد که زمینه تشکیل سازمان مشروطه‌خواهان ایران در نخستین گردهمایی رسمی گروه در آبان ۱۳۷۱ فراهم شود، اما بروز اختلاف میان مهرداد خوانساری، داریوش همایون، و رضا پهلوی در ادامه، مانع برگزاری نخستین کنفرانس رسمی گروه شد. اختلاف‌ها از آنجا شروع شد که در سال ۱۳۷۱، داریوش همایون به دعوت مهرداد خوانساری در اجلاس لندن که با هدف ایجاد آمادگی برای برگزاری کنفرانس سراسری برگزار شد شرکت کرد.

در این میان، داریوش همایون که با طرحی از پیش تعیین شده وارد سازمان مشروطه‌خواهان شده بود، نخستین کنفرانس سازمان را که طبق قرار قبلی می‌بایست در اروپا و در کشور آلمان برگزار می‌شد، در سال ۱۳۷۲ در واشنگتن با حضور رضا پهلوی و بدون شرکت بنیان‌گذاران شاخه اروپایی برگزار کرد و این کار سرآغاز اختلاف‌ها بود.

مهرداد خوانساری در یک اقدام و دعوت فوری، مسئولان شاخه اروپایی را به اجلاسی دعوت و با صدور و پخش اعلامیه‌هایی در اروپا و آمریکا، کنفرانس واشنگتن را غیراصولی و غیردموکراتیک خواند. سرانجام، در پی این اتفاق، نمایندگانی از سوی اروپا برای حل اختلاف‌ها به آمریکا رفتند و طی آن، علی‌یمینی و خسرو اکمل با رضا پهلوی و داریوش همایون مذاکره کردند و مقرر شد، کنفرانس دیگری در سال ۱۳۷۲ با حضور مسئولان دو شاخه آمریکایی و اروپایی در آمریکا برگزار شود. در این کنفرانس، نه تنها اختلاف‌ها برطرف نشد، بلکه این بار با بالاترین اختلاف‌ها و درگیری‌ها، انشعاب‌هایی در سازمان نوین‌یاد مشروطه‌خواهان رخ داد و دو جناح «خط مقدم» به دبیرکلی مهرداد خوانساری و «راه آینده» به رهبری داریوش همایون از درون آن به وجود آمد. جناح «راه آینده»، پس از انشعاب از سازمان مشروطه‌خواهان ایران، نخستین کنفرانس خود را در روزهای ۲۱ و ۲۲ فروردین ۱۳۷۳ با عنوان «کنفرانس مؤسس» در شهر کلن آلمان برگزار و دو سال

پس از آن، با برگزاری نخستین کنگره سراسری در آبان ۱۳۷۵، فعالیت خود را به‌طور رسمی آغاز کرد. نام این سازمان در دومین کنگره گروه، به «حزب مشروطه ایران» تغییر کرد (شمس، ۱۳۹۰: ۳۳۷-۳۲۷).

۲-۵. مواضع حزب مشروطه ایران

از جمله مواضع سیاسی حزب مشروطه، حمایت این حزب سلطنت‌طلب از هرگونه آشوب و درگیری داخلی است که به‌زعم آن‌ها می‌تواند به جمهوری اسلامی آسیب وارد کرده و آن را به‌سوی فروپاشی ببرد. این حزب در برهه‌های تاریخی گوناگون از آشوب‌ها و شورش‌ها پشتیبانی کرده و خواهان فراگیری آن شده است؛ به‌عنوان نمونه، می‌توان به حمایت حزب از آشوب‌های سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸ اشاره کرد (حزب مشروطه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۰۸).

تلاش برای تحریک اقشار اجتماعی و ایجاد دوقطبی‌های سیاسی در کشور، از مواضع دیگری است که این حزب در راستای هدف خود، یعنی به‌هم ریختن اوضاع کشور و خارج کردن امور از حالت عادی آن، اتخاذ کرده و تلاش می‌کند آن را یک شکاف واقعی و بزرگ جلوه داده و مردم را در برابر مردم قرار دهد.

یکی از مواضع ضدایرانی حزب مشروطه ایران، پشتیبانی آن از تحریم‌های اعمال‌شده توسط کشورهای خارجی، به‌ویژه ایالات متحده، علیه مسئولان و نهادهای ایرانی است. حزب در مواضع خود از راهبرد آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی حمایت کرده و خواهان تشدید فشارها بر آن شده است (حزب مشروطه ایران، ۱۳۹۶/۰۷/۲۵). پشتیبانی حزب مشروطه ایران از فرقه‌ها و جریان‌های مخالف، از مواضع دیگر آن است که نمونه آشکار آن، حمایت از آشوب‌های پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ بود؛ درحالی‌که هیچ نزدیکی و همسویی‌ای (چه فکری و چه جریانی) بین خواسته‌های این شورش‌ها با مواضع حزب مشروطه مشاهده نمی‌شود و تنها نقطه اشتراک آن‌ها، تلاش هردو برای بحرانی کردن اوضاع کشور و ناتوان‌سازی نظام جمهوری اسلامی از مدیریت شرایط بود که در تحقق آن نیز ناکام ماندند (حزب مشروطه ایران، ۱۳۹۴/۰۲/۳۱).

یکی دیگر از مواضع حزب مشروطه در راستای تقابل با جمهوری اسلامی، تأکید بر

تاریخ پیش از اسلام و دوران باستان، به‌ویژه دوره شاهان هخامنشی است. این حزب، جمهوری اسلامی را نظامی معرفی می‌کند که با تاریخ باستان ایران ضدیت دارد و نقطه ثقل و هسته مرکزی ایدئولوژی و جهان‌بینی آن، تاریخ پس از اسلام است و تلاش دارد با تأکید بر اسلام و و برجسته‌سازی آن، تاریخ باستان و دیرین ایران به‌دست فراموشی سپرده شود، یا تصویر تیره‌وتاری از آن ارائه و در اذهان عمومی ثبت شود (حزب مشروطه ایران، ۱۳۹۵/۰۸/۰۷). هدف از درپیش گرفتن چنین موضوعی از سوی حزب مشروطه، ایجاد شکاف دولت و ملت، تحریک مردم علیه نظام و القای این انگاره است که ایرانیان، باستان‌گرا و بر آیین گذشتگان‌شان هستند و اسلام را دینی عربی، وارداتی و غیرسازگار با فرهنگ و رسوم خودشان می‌دانند. این ادعا درحالی مطرح می‌شود که رویه جمهوری اسلامی در چهل و چند سال گذشته، نمودی از مخالفت با تاریخ باستان ایران ندارد و برعکس، این تاریخ را بخشی از هویت تاریخی ایرانیان می‌داند. همچنین، گرایش اکثریت غالب مردم ایران به اسلام شیعی که در مراسم و مناسک گوناگون دینی مشاهده می‌شود، نادرست بودن ادعای این حزب در ضدیت مردم با اسلام را به‌اثبات می‌رساند.

۳-۵. فرایند بسیج حزب مشروطه ایران

۱-۳-۵. سازمان

۱-۱-۳-۵. ساختار تشکیلاتی سازمان

بنیادنامه یا همان اساسنامه حزب در نخستین کنگره سازمان مشروطه‌خواهان در تاریخ ۱۳۷۵/۹/۱۸ در ۴۰ ماده و ۶ تبصره در شهر واشنگتن به‌تصویب رسیده است. در دومین کنگره که در تاریخ ۱۳۷۷/۹/۱ در شهر برلین (آلمان) برگزار شد، نام گروه از «سازمان مشروطه‌خواهان ایران» به «حزب مشروطه ایران» تغییر کرد و اساسنامه آن نیز اصلاح شد. این اساسنامه از دو فصل تشکیل شده است. به‌این ترتیب، حزب مشروطه ایران از سه رکن شاخه، شورای مرکزی، و کنگره تشکیل شده است که خود شاخه، دربردارنده ارکان مجمع عمومی، شورا، هیئت اجرایی، و کمیته اجرایی است.

۲-۱-۳-۵. ایدئولوژی حزب مشروطه ایران

حزب مشروطه ایران، بر اصل مشروطه‌خواهی، به‌عنوان بهترین طرح برای ایرانیان،

و رسیدن به تجدد و راهکارهای دستیابی به جایگاه پیشرفته ترین کشورهای غربی تأکید می‌کند. این حزب بر مردم‌سالاری و ناسیونالیسم ایرانی، جهان‌گرایی، توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی، و عدالت اجتماعی برای رسیدن به این نوع تجدد، تأکید دارد (لیبرال‌دموکرات، ۱۳۹۷/۶/۲۵). حزب مشروطه ایران با کشیدن خط بطلان بر هویت ایرانی-اسلامی معتقد است، تنها هویت، هویت ایرانی است و با تأکید بر هویت ایرانی معتقد است، ایران بایستی به حلقه برندگان در اقتصاد نوین جهانی بپیوندد. از نظر حزب مشروطه ایران، این نوع ناسیونالیسم در زمینه‌های سیاست خارجی و فرهنگی بر برنامه سیاسی حزب تأثیر می‌گذارد.

۲-۳-۱-۵. کنش‌های حزب مشروطه ایران

اطلاع‌رسانی به سازمان‌های حقوق‌بشری در مورد وضعیت داخلی ایران، از جمله کنش‌های حزب مشروطه ایران به‌شمار می‌آید؛ برای مثال، در آشوب‌های سال ۱۳۸۸، با بزرگنمایی و استفاده از وضعیت اعتراض‌های گروه‌های مخالف، ضمن صدور اعلامیه‌ای از همگان خواست که با بسیج سازمان‌های حقوق‌بشری، علیه نظام فعالیت کنند (سایت حزب مشروطه ایران، ۱۳۸۸/۱۱/۲۸). همچنین، حزب مشروطه در مورد برخورد نظام با زندانیان سیاسی و اسفبار نشان دادن وضعیت زندانیان سیاسی و عقیدتی از مردم خواست، با اعتراض و اعلام همبستگی با زندانیان، صدای خود را به سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی برسانند (حزب مشروطه ایران، ۱۳۹۳/۱/۳۰).

یکی دیگر از اقدامات و کنش‌های حزب مشروطه ایران، تلاش برای مخدوش کردن مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران از طریق کارهایی مانند تحریم شرکت در انتخابات است؛ برای مثال، در جریان انتخابات سال ۱۳۹۶ با انتصابی و فرمایشی خواندن انتخابات، سعی در مخدوش کردن چهره نظام جمهوری اسلامی ایران داشت (حزب مشروطه ایران، ۱۳۹۶/۲/۱).

یکی دیگر از اقدامات و کنش‌های حزب مشروطه ایران، مخدوش کردن چهره روحانیت در ایران است. این حزب، روحانیون را به رانت‌خواری و ثروت‌اندوزی محکوم می‌کند و آن‌ها را مقصر بسیاری از مسائل اجتماعی می‌داند (حزب مشروطه ایران، ۱۳۹۳/۵/۲۸).

۴-۱-۳-۵. بسیج منابع حزب مشروطه ایران

در مورد روش گردآوری نیروی انسانی، ابتدا باید به این نکته اشاره کنیم که عضویت در حزب مشروطه ایران، پیش شرط‌هایی دارد که عبارتند از: ایرانی بودن، پذیرفتن منشور و بنیادنامه حزب، گذراندن دوره یک‌ساله نوعضویتی، تأیید عضویت از سوی شورای مرکزی پس از پایان دوره یک‌ساله عضویت، و سرانجام، رعایت مقررات و آیین‌نامه پیوستن از عضو موقت (نوهموندی) به عضو ثابت حزب.

برپایه بنیادنامه حزب، هر عضو بایستی در یکی از شاخه‌های حزب عضو شود و داشتن عضویت در بیش از یک شاخه حزب ممنوع است. همچنین، اعضا نباید در احزاب، سازمان‌ها، و انجمن‌های سیاسی ایرانی عضو باشند؛ اما عضویت اعضا به‌طور هم‌زمان در احزاب و سازمان‌های سیاسی کشورهای بیگانه، مجاز است. منابع مالی حزب، به‌عنوان یکی از منابع بسیج فایده‌مندانه، نیز از طریق هزینه‌های عضویت تأمین می‌شود که به شیوه سالیانه پرداخت می‌شوند.

همچنین، برپایه راهبرد این حزب برای مبارزه با حکومت جمهوری اسلامی ایران، استفاده از دو شیوه مبارزه با نظام جمهوری اسلامی ایران، یعنی استفاده از باورها یا نمادهای مذهبی، و دست زدن به خشونت یا اسلحه در پیکار سیاسی، رد شده است. حزب در این زمینه بیان می‌کند، هیچ نمونه پیکار مسلحانه یا خشونت‌آمیزی را نمی‌توان یافت که به مردم‌سالاری و پلورالیسم انجامیده باشد (حزب مشروطه ایران، ۱۳۹۶/۷/۲۵).

رسانه‌های حزب نیز از جمله منابع فایده‌مندانه هستند. حزب مشروطه ایران به‌شکل مستقل، دارای رسانه تلویزیونی نیست، اما رسانه‌های دارای گرایش‌های سلطنت‌طلبانه مانند «پارس» و «کانال یک» با این حزب همکاری نزدیکی دارند. این حزب، رادیوی مستقلی نیز ندارد، اما رادیو ۲۴ ساعته «صدای ایران» در زمینه‌هایی مانند مصاحبه با اعضای حزب، بازتاب دادن بیانیه‌ها و اطلاعیه‌های آن، برپایی میزگرد، و... با حزب همکاری دارد. سایت اینترنتی حزب، سایت «حزب مشروطه ایران» است (شمس، ۱۳۹۰: ۳۴۰).

نشریه حزب مشروطه ایران، «راه آینده» است که برای افزایش ارتباطات درون‌حزبی و رساندن پیام گروه به اعضا و هواداران گروه و گروه‌های دیگر، پیشتر

تا مدتی به مدیریت حسین یزدی در اروپا منتشر می‌شد و اکنون با مدیریت بهمن امیرحسینی (عضو جدید شورای مرکزی) چاپ و منتشر می‌شود. حزب مشروطه ایران با حدود ۵۴ شاخه فعال در حدود ۱۵ کشور، گسترده‌ترین حزب در طیف سلطنت طلب به‌شمار می‌آید (شمس، ۱۳۹۰: ۳۴۱).

۲-۳-۵. منافع

این حزب نیز مانند گروه‌های دیگر چپ و سلطنت طلب مخالف نظام جمهوری اسلامی در رده مخالفان برانداز دسته‌بندی می‌شود که کلیت ساختار جمهوری اسلامی را قبول ندارد و در راستای فروپاشی و نابودی آن تلاش می‌کند؛ بنابراین، حزب مشروطه ایران، در ردیف مخالفان خواهان اصلاح در ساختار جمهوری اسلامی قرار نمی‌گیرد و از جمله ساختارشکنان و موافقان براندازی است. با این مقدمه می‌توان گفت، منفعت اصلی این سازمان، «سرنگونی نظام جمهوری اسلامی و جانشینی آن با یک نظام لیبرال-دموکرات مبتنی بر پادشاهی مشروطه» است (حزب مشروطه ایران، ۱۳۸۶/۸/۲۷). در بنیادنامه حزب مشروطه ایران به جایگزین کردن نظام اسلامی اشاره شده و آمده است: «حزب مشروطه ایران از هواداران نظام پادشاهی مشروطه می‌باشد که به خواست سازمان‌دهی پیکار برای رهایی و آزادی ایران پی‌ریزی شده است (بنیادنامه حزب مشروطه ایران، ۱۳۷۵/۰۹/۱۸).

۳-۳-۵. فرصت-تهدید

۱-۳-۳-۵. فرصت‌ها

یکی از عواملی که برای حزب مشروطه ایران، فرصت ایجاد کرده است، تلاش حزب برای ایجاد ائتلاف و همکاری بین گروه‌های گوناگون مخالف نظام، اعم از سلطنت‌طلبان، ملی‌گراها، جمهوری خواهان، و حتی گروه‌های چپ است؛ از این رو، سطوح گوناگونی از ارتباط را با آن‌ها برقرار کرده است. فراخوان‌های فراوان برای همراهی و همگرایی گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی ایران، گواهی بر این قضیه است، اما تا به حال موفقیتی به‌دست نیاورده است (حزب مشروطه ایران، ۱۳۸۱/۱۱/۱۳).

یکی از موارد دیگر فرصت‌ساز برای حزب، وجود سازمان‌دهی در بطن سازمان

است. نگاهی به بنیادنامه حزب و وجود قوانین انضباطی و متمرکز در زمینه‌های گوناگون، تأییدی بر این امر است. برگزاری همایش‌ها و نشست‌های همگانی؛ قوانین متمرکز عضویت از قبیل قوانین جابه‌جایی اعضا، اخراج اعضا، و قوانین امنیتی در این زمینه؛ وجود کارگروه‌های فراوانی مانند کارگروه بازرسی انتخابات کنگره، کارگروه‌های سراسری بنیادی، کارگروه بررسی‌های مالی، کارگروه رسیدگی با ساختار درونی حزب، کارگروه بررسی‌های استراتژیک، کارگروه آموزش و تبلیغات؛ و... تأیید دیگری بر این امر است. سیری در بیانیه‌ها و مواضع حزب مشروطه ایران و مقر آن در آمریکا و اروپا نشان می‌دهد که حزب مشروطه ایران ارتباط گسترده‌ای با نهادها و مقامات دولتی آمریکا از جمله مسئولان کاخ سفید، پنتاگون، و مجامع یهودی آمریکا دارد. افزون‌براین، برخی از مجامع بین‌المللی مانند سازمان ملل، شورای حقوق بشر، سازمان عفو بین‌الملل، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، و... از جمله مراکز تعامل حزب مشروطه به‌شمار می‌آیند که مجموعه این عوامل برای حزب فرصت‌هایی را ایجاد کرده است (شمس، ۱۳۹۰: ۳۴۹).

۲-۳-۵. تهدیدها

حزب مشروطه ایران در بیانیه‌های فراوانی از نگرانی خود از عملکرد برخی گروه‌های مخالف نظام، به‌ویژه مخالفان چپ‌گرا دم می‌زند و آن‌ها را مخالف مواضع و عملکرد خود در برابر نظام جمهوری اسلامی ایران معرفی می‌کند؛ برای مثال، در اعلامیه حزب مشروطه ایران درباره توافقیانه حزب دموکرات کردستان ایران و حزب کومله کردستان ایران، آمده است، این احزاب چپ قصد دارند نظام سیاسی آینده ایران را به نظامی سکولار، دموکرات، و فدرال تبدیل کنند. حزب مشروطه ایران این اقدام را برخلاف اعلامیه جهانی حقوق بشر معرفی، و در مورد آن ابراز نگرانی کرده است (حزب مشروطه ایران، ۱۳۹۱/۶/۱۶). وجود تفرقه در میان گروه‌های مخالف نظام تا حدی باعث نگرانی حزب مشروطه ایران شده است که در اعلامیه‌های فراوانی، آمادگی خود را برای همکاری در هر سطح با چپ و راست طیف سیاسی ایران اعلام کرده و با این ادعا که حزب مشروطه ایران، هوادار و پیشگام حقوق بشر و دموکراسی است، از گروه‌های مخالف نظام می‌خواهد که رقابت‌ها و تسویه حساب‌های شخصی و گروهی را کنار بگذارند و در کنار هم برای

براندازی جمهوری اسلامی ایران تلاش کنند (حزب مشروطه ایران، ۱۳۸۵/۸/۲۰). همسو نبودن گروه‌های سلطنت‌طلب در حمایت از رضا پهلوی از عوامل دیگری است که مخالفان سلطنت‌طلب، از جمله حزب مشروطه ایران را تهدید می‌کند؛ تا حدودی خود حزب به این مسئله اذعان دارد و از بقیه مخالفان نظام می‌خواهد تا با حمایت از رضا پهلوی از این تفرقه‌ها جلوگیری کنند. از جمله این گروه‌های سلطنت‌طلب می‌توان به انجمن پادشاهی ایران اشاره کرد که در بیانیه‌های گوناگونی، انزجار خود را از رضا پهلوی نشان می‌دهد و اعلام می‌کند که رضا پهلوی از ما نیست (حزب مشروطه ایران، ۱۳۹۸/۱/۲۰).

۳-۳-۳-۵. سرکوب-تسهیل

تاکنون هیچ سند و خبری مبنی بر دستگیری یا بازداشت اعضا و طرفداران این سازمان، چه در داخل کشور و چه در خارج از کشور، چه توسط رسانه‌ها و دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی و چه توسط رسانه‌های خود حزب مشروطه ایران، منتشر نشده است و حزب از این نظر در وضعیت کاملاً خنثی قرار دارد. در مورد مبحث تسهیل حزب مشروطه ایران نیز می‌توان گفت، با توجه به غیرقانونی بودن این حزب، نظام جمهوری اسلامی تاکنون هیچ‌گونه تسهیل و آسان‌گیری‌ای در مورد فعالیت آن نداشته و فعالیت آن‌ها به‌طور کامل غیرقانونی است. مواضع و فرایند بسیج حزب مشروطه ایران در قالب جدول شماره (۲) قابل ارائه است.

جدول شماره (۲). مواضع و فرایند بسیج منابع در حزب مشروطه ایران

| | |
|-----------------|---|
| مواضع | - حمایت این حزب از هرگونه آشوب و اغتشاش داخلی؛ - تلاش برای تحریک اقشار اجتماعی و ایجاد دوقطبی‌های سیاسی؛ - حمایت از تحریم‌های ایالات متحده علیه مسئولان و نهادهای ایرانی؛ - حمایت از فرقه‌ها و جریان‌های مخالف؛ - تأکید بر تاریخ پیش از اسلام و دوران باستان، به‌ویژه دوره شاهان هخامنشی. |
| ساختار تشکیلاتی | تصمیم‌گیری به‌صورت سازمانی و توسط سه رکن شاخه، شورای مرکزی، و کنگره |
| ایدئولوژی | مشروطه‌خواهی، ناسیونالیسم ایرانی، و هویت ایرانی |
| کنش‌ها | - اطلاع‌رسانی به سازمان‌های حقوق بشری از وضعیت داخلی ایران؛ - درخواست تحریم انتخابات در راستای مشروعیت‌زدایی از جمهوری اسلامی؛ - تلاش برای اجماع‌سازی علیه جمهوری اسلامی. |

| | |
|-------------|---|
| بسیج منابع | تعیین شرایطی مانند ایرانی بودن و گذراندن دوره یک‌ساله نوعضوبتی؛ - تأمین منابع مالی از طریق حق عضویت اعضا؛ - فعالیت تلویزیونی، رادیویی، اینترنتی، و انتشار مجله. |
| منافع | سرنگونی نظام جمهوری اسلامی و جانشینی آن با یک نظام لیبرال-دموکرات مبتنی بر پادشاهی مشروطه |
| فرصت‌ها | - تلاش حزب برای ایجاد ائتلاف و همکاری بین گروه‌های مختلف اپوزیسیون؛ - وجود سازمان‌دهی و قوانین انضباطی و متمرکز در بطن سازمان. |
| تهدیدها | - وجود تفرقه در میان گروه‌های مخالف نظام؛ - همسو نبودن گروه‌های سلطنت‌طلب در حمایت از رضا پهلوی. |
| سرکوب-تسهیل | - فراهم نبودن امکان فعالیت قانونی در داخل کشور با توجه به غیرقانونی بودن حزب؛ - عدم انتشار اخباری مبنی بر دستگیری اعضای حزب در داخل و خارج کشور. |

نتیجه‌گیری

در این مقاله، سیر مواضع و روش بسیج منابع سازمان فداییان خلق اکثریت و حزب مشروطه ایران، برپایه‌الگوی بسیج سیاسی چارلز تیلی بررسی شد. این نظریه، دربردارنده‌هفت متغیر کنش جمعی، سازمان، منافع، بسیج منابع، فرصت/تهدید، و سرکوب/تسهیل در کنار مواضع و عملکرد است که در این پژوهش، همگی این متغیرها به تفکیک برای هر دو گروه، شناسایی و ارائه شد. در مورد شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو گروه برپایه‌این نظریه و متغیرهای آن می‌توان موارد زیر را مطرح کرد:

- بررسی تطبیقی سیر مواضع حزب مشروطه ایران و سازمان فداییان خلق بیانگر این است که هر دو گروه در زمینه‌جایگزینی جمهوری اسلامی با یکدیگر هم‌نظر هستند و از ایجاد آشوب و ناامنی در داخل کشور در راستای رسیدن به منافع و خواسته‌های خود حمایت می‌کنند؛ ولی سازمان فداییان خلق نسبت به حزب مشروطه دچار چند دوره دگردیسی بوده و در برهه‌هایی از عمر خود به جمهوری اسلامی نزدیک شده است. چنین موضعی در حزب مشروطه ایران وجود نداشته و این حزب به‌رغم دگردیسی‌های داخلی، هیچ‌گاه خود را موافق و همراه جمهوری اسلامی اعلام نکرده و موضع ثابت و پایداری در مخالفت با جمهوری اسلامی داشته است.

- در زمینه ساختار تشکیلاتی، دو گروه شباهت‌های زیادی در سازوکارهای اجرایی با یکدیگر دارند، ولی با توجه به اینکه حزب مشروطه ایران در راستای بازیابی قدرت پادشاهی در ایران تأسیس شده است، تصمیم‌ها و دیدگاه‌های

شخصی در نوع مدیریت آن بسیار تأثیرگذار است؛ درحالی که سازمان فداییان خلق برپایه انضباط حزبی و سلسله‌مراتب تشکیلاتی ایجاد شده و شخص محوری کمتری در آن مشاهده می‌شود.

• به‌لحاظ ایدئولوژی، درحالی که سازمان فداییان خلق (اکثریت) درصدد گذار از نظام سرمایه‌داری و تأسیس نظامی مبتنی بر ارزش‌های ایدئولوژی سوسیالیسم است، حزب مشروطه ایران بر هویت و ناسیونالیسم ایرانی تکیه دارد و آرمان آن، به‌قدرت رسیدن دوباره سلسله پهلوی و برقراری نظام پادشاهی در ایران است؛ ازاین‌رو، می‌توان گفت، سازمان فداییان خلق در پی استقرار نظام سیاسی‌ای است که تاکنون در تاریخ ایران بدیلی برای آن وجود نداشته است و در نقطه مقابل آن حزب مشروطه ایران قرار دارد که سنت‌گرایی و بازگشت به نظام سیاسی منسوخ‌شده را ترویج می‌کند. براین‌اساس، می‌توان حزب مشروطه ایران را یک سازمان گذشته‌گرا و سازمان فداییان خلق را سازمانی با ایده‌های سوسیالیستی — که تا به حال دارای هیچ پیشینه و تاریخچه سیاسی‌ای نبوده است — به‌شمار آورد.

• بررسی مقایسه‌ای کنش‌های سازمان فداییان خلق و حزب مشروطه ایران بیانگر این است که با توجه به اشتراک منافع هر دو گروه در مخالفت با جمهوری اسلامی، هر دو آن‌ها در برهه‌هایی از زمان از شکل‌گیری هرگونه آشوب و تنش در داخل کشور پشتیبانی و آن را در راستای اهداف خود تعریف کرده‌اند. حزب مشروطه ایران با توجه به روابطی که با نهادها و سازمان‌های ملی و بین‌المللی دارد، تلاش کرده است از طریق نهادهای حقوق‌بشری به جمهوری اسلامی فشار وارد کند و درمقابل، گرایش آن به اقدامات نظامی و مسلحانه کمتر بوده است، اما سازمان فداییان خلق در اوایل انقلاب بر اقدام مسلحانه برای فروپاشی جمهوری اسلامی تأکید ویژه‌ای داشت و یکی از راهکارهای آن برای کسب قدرت سیاسی در ایران، اقدام نظامی بود. تلاش برای مشروعیت‌زدایی از ساختارهای قانونی جمهوری اسلامی، مانند انتخابات با دعوت از مردم به تحریم آن، و همچنین، سوق دادن اعتراض‌های مدنی به خشونت و آشوب از شباهت‌های دیگر دو گروه در زمینه کنش‌های سیاسی است. با توجه به رویکرد چپ سازمان فداییان خلق، این سازمان با اقبال کشورهای غربی روبه‌رو نشده و کمتر نهاد و سازمان بین‌المللی‌ای است که به آن بها دهد، لیکن حزب مشروطه ایران توانسته است با

شخصیت‌های سیاسی و سازمان‌های حقوق‌بشری ارتباط برقرار کرده و در راستای خواسته‌ها و اهداف سیاسی خود از ظرفیت این نهادها استفاده کند.

• از دیدگاه بسیج منابع، هر دو گروه در شیوه عضویت، دارای اشتراک نظر هستند و شرایطی مانند ایرانی بودن و پایبندی به مرام‌نامه سیاسی را مطرح کرده‌اند. هر دو گروه برای اعلام مواضع سیاسی خود و دعوت از مردم برای شوریدن علیه حکومت، از ظرفیت‌های مدرنی مانند فضای مجازی و همچنین، شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی بهره می‌برند و با پخش برنامه‌های پیاپی، برای پیشبرد اهداف و خواسته‌های خود تلاش می‌کنند. محور برنامه‌های رسانه‌ای حزب مشروطه، تبلیغ باستان‌گرایی و شاه‌پرستی ایرانیان است و سازمان فداییان خلق به‌جای تبلیغ خاندان پهلوی و سخن گفتن از عظمت و پیشینه تاریخی ایران، ارائه بحث‌های ایدئولوژیک و اندیشه سوسیالیسم را در دستورکار خود قرار داده است. یکی دیگر از اشتراک‌های دو گروه این است که هیچ‌کدام از این سازمان‌ها، دارای رسته و فعالیت نظامی در برابر جمهوری اسلامی نیستند و بخش عمده تکیه آن‌ها بر ایجاد آشوب و اغتشاش در داخل کشور است و برای فروپاشی نظام از درون، سرمایه‌گذاری ویژه‌ای کرده‌اند.

• منافع دو گروه نیز شباهت‌هایی با یکدیگر دارد. هر دو گروه، منفعت خود را در جایگزینی نظام اسلامی می‌دانند، ولی در مورد نوع نظامی که باید جایگزین شود، اختلاف دارند. فداییان خلق، منافع خود را در فروپاشی جمهوری اسلامی و جانشینی آن با یک نظام سوسیالیستی می‌بینند، لیکن، خواسته حزب مشروطه‌خواهان، تأسیس یک نظام پادشاهی و سلطنتی در کشور است. تنها براندازی جمهوری اسلامی، نقطه مشترک منافع حزب مشروطه ایران و سازمان فداییان خلق است و در مورد نوع نظام سیاسی مستقر پس از براندازی، اشتراک نظری بین دو گروه وجود ندارد.

• فرصت منحصر به فرد دو گروه برای فعالیت علیه نظام این است که هردوی آن‌ها خارج‌نشین هستند و با استفاده از ظرفیت و امکانات دولت‌های غربی، امکان فعالیت تبلیغاتی علیه جمهوری اسلامی را دارند. چنین موقعیتی امکان مجازات حقوقی در برابر فعالیت مجرمانه این گروه‌ها را از جمهوری اسلامی سلب می‌کند. همچنین، امکان برقراری ارتباط با سازمان‌ها و نهادهای حقوق‌بشری که بیشتر در کشورهای غربی حضور دارند و بهره‌برداری از آن‌ها به‌عنوان اهرم فشار علیه

- جمهوری اسلامی، از فرصت‌های دیگر موجود برای این سازمان‌ها است.
- همین خارج‌نشینی و غیرقانونی بودن، به‌عنوان مهم‌ترین تهدید این دو گروه نیز قابل طرح است، زیرا تشکیلات سیاسی، زمانی دارای اثر در بستر جامعه هستند که بتوانند آزادانه و قانونی فعالیت کنند و برای جذب اعضا، منابع مالی، و... اقدام کنند. این ویژگی درباره هیچ‌کدام از این دو گروه صدق نمی‌کند، زیرا هر دو دارای مرام سیاسی کاملاً متضادی با نظام سیاسی مستقر هستند و فعالیت براندازانه و ضدنظام در هیچ نظام سیاسی‌ای موردپذیرش نیست و با آن مقابله می‌شود. همچنین، وجود گسیختگی و اختلاف‌نظر عمده بین جریان‌های مخالف جمهوری اسلامی و انشعاب‌هایی که به‌طور پیوسته بین آن‌ها رخ می‌دهد و نبود توافق و رهبری‌ای که موردپذیرش همه طرفین باشد، از جمله تهدیدهای دیگر برای این گروه‌ها است، زیرا این سازمان‌ها در داخل خود اختلاف‌های فراوانی بر سر نوع نظام سیاسی و رهبری آن پس از فروپاشی جمهوری اسلامی دارند و هیچ‌گاه نتوانسته‌اند به توافق جامعی در این زمینه که مورد اتفاق نظر همه طرفین باشد، برسند.
 - در زمینه سرکوب به‌طور عام نیز این گروه‌ها مدعی ایجاد محدودیت در فعالیت‌های خود از سوی جمهوری اسلامی هستند، اما واقعیت این است که این گروه‌ها با توجه به اقبال عمومی بسیار پایین از سوی مردم و توان کم در تأثیرگذاری بر دگرگونی‌های سیاسی داخل کشور و همچنین، فعالیت در کشورهای غربی، عمدتاً از دسترس جمهوری اسلامی دور هستند و همچنین، نیازی به اقدام متقابل در برابر فعالیت‌های آن‌ها از سوی جمهوری اسلامی احساس نمی‌شود، زیرا میزان محبوبیت این گروه‌ها در بین عموم مردم بسیار پایین است و بیشتر مردم حتی این گروه‌ها و مرام سیاسی آن‌ها را نمی‌شناسند.
 - در مورد تسهیل فعالیت نیز دو گروه دارای مشابهت کامل هستند، زیرا از دیدگاه جمهوری اسلامی، موجودیت هر دو این گروه‌ها غیرقانونی است.

جدول شماره (۳). مقایسه مواضع و فرایند بسیج منابع سازمان فداییان و حزب مشروطه

| موضوع | تشکیلات | ایدئولوژی | کنش ها | بسیج منابع | منافع | فرصت/ تهدید | سرکوب/ تسهیل |
|----------------|---|---|--|--|--|--|--|
| سازمان فداییان | انضباط حزبی و تشکیلات سازمان‌دهی‌شده و سازمان‌محوری | ایدئولوژی سوسیالیستی | <p>- در مرحله نخست انقلاب: کنش‌های مسلحانه و نظامی؛</p> <p>- در مرحله دوم، کنش‌های حمایتی از نظام اسلامی؛</p> <p>- در مرحله سوم، تلاش در راستای تبدیل حرکت‌های اعتراضی به آشوب‌های سراسری و حمایت از حرکت‌های ساختارشکنانه و غیرقانونی به‌صورت: دعوت مردم به نافرمانی مدنی و آشوب علیه نظام، فراخوان اعتراضات، تظاهرات و اعتصابات، و به‌راه انداختن کارزارهای مختلف.</p> | <p>- بسیج نیروهای انسانی، مالی، رسانه‌ای در خارج کشور؛</p> <p>- گرفتن حق عضویت و کمک‌های مالی؛</p> <p>- داشتن رسانه.</p> | جایگزین کردن جمهوری اسلامی با یک نظام سکولار | <p>فرصت: فعالیت در خارج از ایران و امکان بسیج منابع، امکان برقراری ارتباط با گروه‌های دیگر مخالف نظام، امکان استفاده از رسانه و جذب کمک‌های مالی.</p> <p>تهدید: انشعاب‌های پی‌درپی و ناامید شدن اعضا</p> | <p>تسهیلات: عدم ارائه هیچ‌گونه تسهیلات برای فعالیت به‌دلیل غیرقانونی و ضدنظام بودن این گروه‌ها؛</p> <p>سرکوب: فعالیت در خارج کشور و دور بودن از نظام‌های امنیتی.</p> |
| حزب مشروطه | ساختار و تشکیلات سلسله‌مراتبی اما بیشتر شخص‌محور | ایدئولوژی ناسیونالیستی ایران باستانی، مشروطه خواه | <p>تلاش برای تبدیل حرکت‌های اعتراضی به آشوب‌های سراسری و حمایت از حرکت‌های ساختارشکنانه و غیرقانونی به‌صورت:</p> <p>- اطلاع‌رسانی به سازمان‌های حقوق‌بشری در مورد وضعیت داخلی ایران؛</p> <p>- درخواست تحریم انتخابات در راستای مشروعیت‌زدایی از جمهوری اسلامی؛</p> <p>- تلاش برای اجماع‌سازی علیه جمهوری اسلامی.</p> | <p>- بسیج نیروهای انسانی، مالی، رسانه‌ای در خارج کشور؛</p> <p>- گرفتن حق عضویت و کمک‌های مالی؛</p> <p>- داشتن رسانه.</p> | جایگزین کردن جمهوری اسلامی با یک نظام سکولار | <p>فرصت: برقراری ارتباط با سازمان‌ها و نهادهای حقوق‌بشری، امکان فعالیت قانونی و جذب اعضا و منابع مالی در خارج کشور؛</p> <p>تهدید: وجود گسیختگی و اختلاف‌نظر در سازمان</p> | <p>تسهیلات: عدم ارائه هیچ‌گونه تسهیلات برای فعالیت به‌دلیل غیرقانونی و ضدنظام بودن این گروه‌ها؛</p> <p>سرکوب: فعالیت در خارج کشور و دور بودن از نظام‌های امنیتی</p> |

جدول شماره (۴). شباهت‌ها و تفاوت‌های سازمان فداییان خلق و حزب مشروطه ایران

| | مواضع | تشکیلات | ایدئولوژی | کنش‌ها | بسیج منابع | منافع | فرصت/ تهدید | سرکوب/ تسهیل |
|-------------------|-------|---------|-----------|--------|---------------|-------|----------------|-----------------|
| سازمان فداییان | + | + | - | + | + | + | + | + |
| حزب مشروط | + | + | - | + | + | + | + | + |

سرانجام، با توجه به داده‌های جدول شماره (۴)، دو سازمان دارای شباهت‌های زیادی در ابعاد گوناگون مورد مطالعه این مقاله بوده‌اند و تنها اختلاف اصلی آن‌ها در بعد ایدئولوژیک است. می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که دلیل عدم ائتلاف جریان‌های مخالف جمهوری اسلامی، اختلاف‌های ایدئولوژیک آن‌ها و عدم مدارا و سازش تاکتیکی برای رسیدن به منافع مشترک است. این سازمان‌ها با اینکه منافع مشترکی دارند، حاضر نیستند از مواضع ایدئولوژیک خود که در نوع نظام جایگزین نیز متبلور می‌شود، به‌طور تاکتیکی دست کشیده و با یکدیگر ائتلاف کنند. این درحالی است که هنگام انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، گروه‌های مخالف نظام شاهی، دست از اختلاف‌های ایدئولوژیک برداشته و حتی حاضر شدند از رهبری مذهبی انقلاب، پشتیبانی کنند تا به منافع خود دست یابند.*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- باقرزاده، طاهره (۱۳۷۲)، *قدرت و دیگر هیچ*، تهران: اطلاعات.
- بهروز، مازیار (۱۳۸۰)، *شورشیان آرمان‌خواه*، ترجمه مهدی پرتوی، تهران: انتشارات ققنوس.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۹)، *نظریه‌های انقلاب، وقوع، فرایند و پیامدها*، تهران: سمت.
- پیام دانشجو (۱۳۵۶)، *پیام دانشجو*، تهران: انتشارات سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران.
- تیلی، چارلز (۱۳۸۵)، *از بسیج تا انقلاب*، ترجمه علی مرشدی زاد، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- جزنی، بیژن (۱۳۵۵)، *پنج رساله*، انتشارات سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران.
- جمعی از پژوهشگران (۱۳۸۷)، *جنبش چپ به روایت اسناد ساواک: حزب دموکرات کردستان ایران*، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- جمعی از پژوهشگران (۱۳۸۷)، *حزب توده از شکل‌گیری تا فروپاشی*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- حسن‌زاده، اسماعیل (۱۳۸۴)، «دیدگاه و موضع‌گیری‌های سازمان چریک‌های فدایی خلق در قبال انقلاب اسلامی ایران»، *پژوهشنامه متین*، شماره ۲۶، صص ۴۵ تا ۷۰.
- رنجبران، داود (۱۳۸۵)، *جریان‌های مارکسیسم دانشجویی در ایران*، تهران: ساحل اندیشه تهران (سات).
- سایت اخبار روز (۱۳۸۵/۱۱/۲۶)، «مسعود نقره کار، فرخ نگهدار و اعاده حیثیت از یک قربانی ترورشخصیت»، دسترسی در: <http://www.asre-nou.net/1385/esfand/26/m-negahdar.html>
- _____ (۱۳۸۵/۱۰/۲۴)، «اعلامیه شورای مرکزی حزب مشروطه ایران»، در دسترس در: <https://www.iranmpi.party/ArticleDetail/639/>
- _____ (۱۳۹۶/۷/۲۵)، «سخنرانی اخیر آقای ترامپ درباره استراتژی ایران»، در دسترس در: <https://www.iranmpi.party/ArticleDetail/440/>
- _____ (۱۳۹۶/۲/۱)، «نمایش انتخاباتی ریاست جمهوری اسلامی ایران»، در دسترس در: <https://www.iranmpi.party/ArticleDetail/446/>

- _____ (۱۳۸۹/۵/۱)، «حزبی برای اکنون و آینده ایران»، در دسترس در:
<https://www.iranncpi.party/ArticleDetail/135/>
- _____ (۱۳۹۷/۹/۱)، «حقوق زنان و کودکان، پیوست به منشور، کنگره سوم»، در دسترس در:
<https://www.iranncpi.party/Pages/428/>
- _____ (۱۳۸۱/۱۱/۱۳)، «میثاق با مردم، فراخوانی برای اتفاق»، در دسترس در:
<https://www.iranncpi.party/ArticleDetail/720/>
- _____ (۱۳۹۱/۶/۱۶)، «در رابطه با توافقنامه حزب دموکرات کردستان ایران و حزب کوموله کردستان ایران»، در دسترس در:
<https://www.iranncpi.party/ArticleDetail/525/>
- _____ (۱۳۹۸/۱/۲۰)، «ایجاد تفرقه به نام حمایت از شاهزاده»، در دسترس در:
<https://www.iranncpi.party/ArticleDetail/137/>
- _____ (۱۳۸۵/۸/۲۰)، «قطعنامه کنگره ششم حزب مشروطه ایران»، در دسترس در:
<https://www.iranncpi.party/ArticleDetail/642/>
- _____ (۱۳۸۷/۲/۲۲)، «هر اقدام تروریستی محکوم است»، در دسترس در:
<https://www.iranncpi.party/ArticleDetail/617/>
- _____ (۱۳۹۷/۶/۲۵)، «سند پیوست به منشور حزب مشروطه ایران»، در دسترس در:
<https://www.iranncpi.party/Pages/73/>
- _____ (۱۳۹۷/۶/۲۵)، «سند پیوست به منشور، کنگره دوازدهم»، در دسترس در:
<https://www.iranncpi.party/Pages/73/>
- _____ (۱۳۸۶/۸/۲۷)، «آنچه می خواهیم»، در دسترس در:
<https://www.iranconstitutionalparty.net/the-principles-of-democracy>
- _____ (۱۳۷۵/۰۹/۲۸)، «بنیادنامه حزب مشروطه ایران»، در دسترس در:
https://www.iranncpi.party/Content/UploadedFiles/bonyadname_CPI_8_20_2020.pdf
- _____ (۲۰۱۶/۱۰/۲۸)، «۷ آبان روز بزرگداشت کوروش»، در دسترس در:
<https://www.iranncpi.party/ArticleDetail/458>
- _____ (۱۳۸۸/۱۱/۲۸)، «زندانیان فراموش نشده اند»، در دسترس در:
<https://www.iranncpi.party/ArticleDetail/586/>
- _____ (۱۳۹۳/۵/۲۸)، «هشدار مکارم شیرازی را به شدت محکوم می کنیم»، در دسترس در:

<https://www.irancpi.party/ArticleDetail/488/>

_____ (۲۰۰۹/۱۲/۲۹)، «این رژیم باید برود»، در دسترس در:

<https://www.irancpi.party/ArticleDetail/589/>:

_____ (۱۳۹۳/۱/۳۰)، «ضرب و شتم زندانیان بند ۳۵۰ اوین»، در دسترس

در:

<https://www.irancpi.party/ArticleDetail/491/>

_____ (۱۳۸۲/۱۱/۸)، «اطلاعیه»، در دسترس در:

<https://www.irancpi.party/ArticleDetail/710/>

_____ (بی تا)، «اعضای شورای مرکزی حزب مشروطه ایران (لیبرال

دموکرات)»، در دسترس در:

<https://www.irancpi.party/PageDetail/74/>

_____، «هفدهم ماه دی، روز زن در ایران»، در دسترس در:

<https://www.irancpi.party/ArticleDetail/438/>

سایت کار آنلاین (۱۳۹۴/۷/۱)، «گزارش یادمان قربانیان کشتار زندانیان سیاسی ایران در تابستان سال ۱۳۶۷»، در دسترس در:

<https://www.kar-online.com/node/9763>

_____ (۱۳۹۲/۰۲/۱۱)، «برنامه سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)»، در دسترس

در:

<https://kar-online.com/node/6284>

_____ (۱۳۹۷/۱۰/۱۰)، «سیاست حزب چپ ایران (فداییان خلق) پیرامون تشکیل

بلوک چپ، اتحاد نیروهای جمهوری خواه، همکاری و اتحاد عمل»، در دسترس در:

<https://www.kar-online.com/node/15438>

_____ (۱۳۹۷/۱۰/۱۰)، «سیاست حزب چپ ایران (فداییان خلق) پیرامون تشکیل

بلوک چپ، اتحاد نیروهای جمهوری خواه، همکاری و اتحاد عمل»، در دسترس در:

<https://www.kar-online.com/node/15438>

_____ (۱۳۹۸/۱۰/۱۰)، «علیه تشدید فشار به فعالان مدنی و سیاسی»، در دسترس

در:

<https://www.kar-online.com/node/15689>

_____ (۱۳۹۲/۲/۱۵)، «نامه شاهرخ زمانی به بانکی مومن، ناوی پیلان، و احمد

شهید»، در دسترس در:

<https://www.kar-online.com/node/6328>

_____ (۱۳۹۶/۱۱/۱۶)، «از دختران خیابان انقلاب حمایت کنیم»، در دسترس در:

<https://www.kar-online.com/node/14453>

_____ (۱۳۹۶/۱۰/۱۷)، «فراخوان برای راه اندازی و شرکت در تظاهرات و

تجمع‌ها در حمایت از اعتراضات مردمی»، در دسترس در:

<https://www.kar-online.com/node/14313>

_____ (۱۳۹۸/۹/۲)، «پیام شورای مرکزی سازمان فداییان خلق (اکثریت) به فداییان خلق»، در دسترس در:

<https://www.kar-online.com/node/15654>

شمس، وحید (۱۳۹۵)، *بررسی اطلاعاتی احزاب و گروه های سیاسی مخالف جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی.

صدرشیرازی، محمدعلی (۱۳۹۵)، *سازمان چریک های فدایی خلق*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

طالبان، محمدرضا (۱۳۸۸)، *روش شناسی مطالعات انقلاب با تأکید بر انقلاب اسلامی ایران*، تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.

علوی، سید محمدصادق (۱۳۷۹)، *بررسی مشی چریکی در ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

قوامی، زینب؛ غفاری هاشجین، زاهد؛ مرشدی زاد، علی (۱۳۹۵)، «انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا»، *پژوهشنامه انقلاب اسلامی (دانشگاه همدان)*، سال ششم، شماره ۳.

لطفی، انوشیروان؛ شاهسوندی، سعید (۱۳۶۸)، *دو مقاله نقد و تفسیر سازمان فداییان خلق*، تهران: اطلاعات.

نادری، محمود (۱۳۹۰)، *چریک های فدایی خلق*، جلد دوم (انقلاب اسلامی و بحران در گفتمان)، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی

نگاهی به تاریخچه سازمان فداییان خلق (۱۳۷۵)، تهران: انتشارات سازمان چریک های فدایی خلق ایران.

یغما، احمد (۱۳۸۲)، «بحران در تشکل های سیاسی چپ (کتاب الکترونیک)»، در دسترس در:

ahmadyaghma.blogfa.com

Calvert, Peter (1990), *Counter Revolution*, Milton Keynes, United Kingdom, Open University Press.

Dailami, Pezhmann (1992), *The Bolshevik revolution and the genesis of communism in Iran, 1917-1920*, *Central Asian Survey*, 11:3, 51-82, DOI: 10.1080/02634939208400780.

Franzén, J. (2017), "Communism in the Arab World and Iran. In N. Naimark", S. Pons, & S. Quinn-Judge (Eds.), *The Cambridge History of Communism (The Cambridge History of Communism, pp. 544-569)*, Cambridge: Cambridge University Press.

Glenda, Fraser (1987), "Basmachi", in: *Central Asian Survey*, Vol. 6, No.1.

Hiro, Dilip (2013), "*Fedai Khalq*", *A Comprehensive Dictionary of the Middle East*, Interlink Publishing, pp. 483-489, ISBN 9781623710330.

- Holliday, Fred (2003), "Counter Revolution", in: Jack Goldstone, *Revolutions: A Theoretical, Comparative and Historical Studies*, New York, Wadsworth
- Joseph olgin, Moissaye (1935), *Trotskyism: Counter-Revolution in Disguise*, New York: Workers Library Publishers.
- Marcuse, Herbert (1972), *Counter Revolution and Revolt*, USA.: Beacon Press Boos.
- Mrphy, Kevin (2007), *Revolution and Counter Revolution: Class Stuggle in Moscow Metal Factory*, New York, Berghahn.
- Tilly, Charles (1963), "The Analysis of a Counter Revolution", *History and Theory*, Vol.3, No. 1.
- Vahabzadeh, Peyman (28 March 2016) [7 December 2015], "FADĀ'ĪĀN-E KĀLQ", In: Yarshater, Ehsan (ed.), *Encyclopædia Iranica*, Bibliotheca Persica Press, Retrieved 1 August 2016.
- Wang, Ming (1971), *China Cultural Revolution or Counter Revolutionary Coup?*, (Moscow: Novosti Press Agency Publication House).

